مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه
دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲
صفحات ۱۱۸-۱۰۷

Online ISSN: ٢٤٧٦-٤٤٦٩
Print ISSN: ٢٥٣٨-٢٠٣٩
www.irijournals.com

بررسی کیفری شهادت زنان در جرائم حدی

نریمان فاخری[۱]، رامین پور سعید[۲]، سامان شیخی[۳]

[۱]هیئت علمی دانشگاه پیام نور
[۲]هیئت علمی دانشگاه پیام نور
[۳]کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد البرز

چکیده

هدف از این پژوهش بیان نظر و آرای فقهای امامیه و چندی از فقهای اهل سنت در ادوار فقه در باب شهادت در جرائم حدی بود. یکی از مسائل قابل طرح در بحث شهادت، نقش جنسیت، در اعتبار آن است که آیا مرد یا زن بودن تاثیری در حجیت شهادت دارد یا نه؟ در نظریه مشهور فقها و قوانین جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌هایی در اعتبار شهادت زنان نسبت به مردان وجود دارد که نگارنده در این پژوهش به تحلیل مبنای فقهی آن‌ها پرداخته است. شهادت زنان در جرائم حدی با شروط خاصی در برخی موارد پذیرفته شده است آن‌هم در صورتی که شرایط لازم در شاهد و نوع ادای شهادت موجود باشد. شرایطی که رعایت آن در مورد شاهد ضروری است، برخی مربوط به میزان درک، شعور، قدرت تعقل و تشخیص شاهد است مثل شرط بلوغ و عقل و برخی مربوط به اعتماد به شاهد و اطمینان از صحت گفتار او می‌باشد مثل شرط عدالت و مورد ثقه بودن. و از جمله امور موثر در شهادت تعداد شهود است که بسته به اهمیت موضوع جرم، معمولا با شهادت دو نفر و گاهی با شهادت چهار نفر عادل و در اندکی موارد با شهادت یک نفر عادل قابل اثبات است. در این پژوهش به بررسی کیفری شهادت زنان در جرائم پرداخته شده است.

کلیدواژگان: شهادت، ادله، حد، جرم، زن.

مقدمه

شهادت به عنوان یکی از دلایل اثبات جرم در ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. نویسنده در این تحقیق سعی می کند با توجه به منابع و مطالبی که موجود می باشد شهادت زنان را به عنوان یکی از دلایل اثبات جرم که در این پژوهش جرائم حدی مد نظر می باشد مورد بررسی قرار دهد و در حد توان به سوال ها و ابهامات راجع به شهادت زنان در جرائم حدی پاسخ دهد.

در حقوق جزای ایران در باب اثبات جرایم از طریق شهادت شهود، از متون فقهی تبعیت شده است. همان گونه که در متون فقهی یکی از طرق اثبات جرائم، شهادت مردان است، در حقوق جزا هم برای اثبات جرایم مختلف محور اصلی، شهادت مردان می‌باشد، اما برخی از دعاوی، تنها بر اساس شهادت زن قابل اثبات است و شهادت چندین مرد نمی تواند در این موارد با شهادت ولو یک زن برابری کند. حضور شهود همیشه به دادگاه امکان پذیر نیست وگاه با چالش هایی روبرو می‌شود. اگر شاهد در زمان تحمل شهادت، غیر بالغ ممیز باشد اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است و همچنین در وضعیت حقوقی افراد بعد از انجام عمل جراحی تغییر جنسیت نیز تغییری ایجاد نشده و اگر مرد بود شهادتش به عنوان یک مرد استماع میشود ولو اینکه آثار و علائم مربوط به جنس مخالف را دارد و بالعکس (طهماسب‌پور، ۱۳۹۹، ۳).

شهادت، یکی از برجسته ترین دلیل اثبات یک ادعا و راه گرفتن حق است و اهمیت این دلیل بر کسی پنهان نیست وشاهد می‌تواند با ادای شهادتش در دادگاه، صاحب حق را به حق قانونی خود برساند. شهادت در دعاوی مختلف نقش تاثیر گذار و مهم دارد (طباطبایی،۱۳۷۹ :۴۱۵). به عبارتی یکی از مواردی که در دعوا می‌شود به آن استناد کرد، شهادت است و هر شهادتی معتبر نیست. برای شهادت دادن شرایطی لازم است شاهد باید واجد آن شرایط قانونی باشد تا شهادتش معتبر باشد و تعداد شهود بستگی به آن جرم دارد و اصولاً شهادت دو مرد عادل لازم است، مثل سرقت، قذف و ... ولی قانونگذار در بعضی از جرایم استثناء کرده و شهادت زنان را به تنهایی یا در کنار مردان پذیرفته و در بعضی جرایم خاص شهادت زنان را نپذیرفته است، منظور این است که شهادت مردان متمایز از شهادت زنان است(محقق داماد، ۱۳۹۲ :۶۲).

سابقه تحقیق

تاکنون تحقیق و یا مقاله ای که درباره این موضوع نوشته شده باشد موجود نیست ولی مدارک و منابعی می تواند نزدیک به موضوع تحقیق نویسنده باشد:

۱-علی محمدی و حسینی در صفحات ۱۱۱-۱۳۷ مقاله خود با عنوان تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق (۱۳۹۲) به بررسی چگونگی پذیرش برخی از دعاوی و شهادت زن در دادگاه، که از مباحث بحث برانگیز در مجامع زنان است، پرداخته‌اند. شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا، در صورتی معتبر است که شرایط لازم و ضروری در آن موجود باشد. به نظر فقها این شروط، در موقع ادای شهادت معتبرند نه دروقت تحمل شهادت. مطابق قانون ایران در اعمال شهادت، تعداد و جنسیت شهود و طریقه شهادت، بسته به نوع عمل ارتکابی متفاوت است.

۲-موذن زادگان و تدین در صفحات ۳۹، ۵۶ و ۶۳ مقاله خود تحت عنوان زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه (۱۳۹۳) به برخی از تفاوتها که بین زن و مرد وجود دارد و به سود زنان و در حمایت از آنها است، اشاره می‌کند و در سیستم حقوقی ایران، قوانینی که این حمایتها در آن لحاظ شده باشد، مانند مراجع تحقیقاتی و پلیسی وجود ندارد.

۳-ملک‌زاده در صفحات ۹ و ۲۱ مقاله خود با عنوان مبانی فقهی و حقوقی اعتبار شهادت زنان در اثبات دعاوی (۱۳۸۴) مطرح کرده است که نقش شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی، بسیار برجسته است، یکی از مسائل مطروحه در بحث شهادت ، نقش جنسیت در اعتبار و ارزش شهادت است. در قوانین اسلام تفاوت‌هایی در شهادت زن و مرد وجود دارد و این به این معنی نیست که شهادت زنان پذیرفته نشود و در مواردی شهادت زنان مقبول واقع می‌شود مثل قتل غیر عمد.

۴-گلبانگ، در صفحات ۱و ۱۲۶ پایان نامه خود تحت عنوان بررسی فقهی و حقوقی مبانی محدودیت شهادت زنان در اثبات دعاوی (۱۳۹۲) مطرح می‌کند شهادت در مراجع رسیدگی اعم از دادسرا و دادگاه، به عنوان یک دلیل اثبات دعوا پذیرفته شده

و نقش تعیین کننده در سرنوشت یک پرونده دارد و به استناد آن حکم صادر می‌شود. و شهادت زنان از مواردی است که در این موضوع(شهادت) اختلاف نظر وجود دارد و این تفاوت در قوانین که برگرفته از فقه امامیه است به عینه می‌بینیم.

فرضیه‌ها و سوال‌های تحقیق

سوال اصلی تحقیق

در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه جنسیت شهود در اثبات جرایم موجب حد چه تأثیری دارد؟

سوالات فرعی تحقیق

۱- در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه مبانی و مستندات اعتبار جنسیت شهود در اثبات جرایم موجب حد چیست ؟

۲- چگونه می‌شود با استناد به مقتضیات زمان می‌توان در مبانی فقهی اعتبار جنسیت تجدید نظر کرد؟

فرضیه اصلی تحقیق

در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه جنسیت شهود در اثبات جرایم مستوجب حدود موثر است.

فرضیه‌های فرعی تحقیق

۱- به نظر می‌رسد اعتبار جنسیت شهود در حدود مستند به ادله نقلی تعبدی و توجیهات عقلانی است.

۲- در مورد تجدید نظر در مبانی فقهی اعتبار جنسیت شهود با استناد به مقتضیات زمان، باید با توجه به فتاوای مجتهدین زمان عمل کرد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق از دو روش برای جمع‌آوری مطالب استفاده شده است.

الف) روش کتابخانه‌ای: ازآنجاکه کلیه دانش‌های بشری را می‌توان در کتاب و کتابخانه جستجو کرد، به جهت جمع‌آوری اطلاعات، قبل از استفاده از هر ابزار دیگری از کتاب استفاده شده است.

ب) اینترنت: برای این که مطالب جمع‌آوری شده از طریق روش کتابخانه‌ای با مطالب روز تطبیق داده شود، از اینترنت استفاده شده است. با مراجعه مستقیم به منابع موجود در کتابخانه و مطالعه کتب مختلف حقوقی و فقهی و مقالات، مطالب مورد نظر با فیش برداری جمع‌آوری شده است و همچنین از شبکه های کامپیوتری و نرم افزارهای فقهی نیز به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

تقسیم بندی حجیت شهادت زنان بر اساس نظریات فقهای شیعه

فقهای شیعه شهادت را به لحاظ جنسیت شاهد به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

۱- مواردی‌که فقط شهادت مردان قبول است مثل طلاق، حدود به‌جز زنا و رویت هلال.

۲- مواردی‌که شهادت مردان و زنان با همدیگر پذیرفته می‌شود مانند: شهادت سه مرد و دو زن در رجم و شهادت یک مرد و دو زن در دعاوی مربوطه اموال و دیون (امور مالی) و شهادت دو مرد و چهار زن در حدّ تازیانه در زنا.

۳- مواردی‌که شهادت زنان به تنهایی پذیرفته می‌شود مانند: شهادت دو زن درباره عذرها و عیوب زنان مانند حیض، نفاس، تولد طفل زنده و شیر دادن به طفل (رضاع)؛

شهادت یک زن: برای اثبات ربع وصیت و شهادت زن قابله بر تولد طفل.

به عبارتی حجت شهادت زنان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

تقسیم بندی اول شهادت زنان بر حسب مورد است به این معنا که مثلا در امور کیفری، حدود، مسائل مالی، رؤیت هلال، طلاق و..هرکدام جداگانه و برحسب مورد بررسی و تقسیم شده است.

تقسیم بندی دیگه بر اساس حق الله و حق الناس است.

شهادت

معنی لغوی

کلمه شهادت در لغت از فعل ثلاثی مجرد شهد یشهد شهود اشهاد، گرفته شده است. این کلمه اگر بدون حرف اضافه استعمال شود، به معنای ادراک و حضور است. در کتاب قاموس قرآن چنین آمده است که شهود و شهادت به معنای حضور و معاینه است (۱۳۷۸). راغب در مفردات می‌گوید: شهود به معنای حضور و شهادت به معنی دیدن و معاینه اولی است. شهادت که به معنی حضور و دیدن است گاهی به معنی خبر قاطع می‌آید (راغب، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

در قرآن آیاتی می‌یابیم که شهادت و مشتقات آن به کار رفته است از جمله:

شاهدین علی انفسهم بالکفر (توبه ، آیه ۱۷) در حالی که به کفر خود شهادت می‌دهند گفته اند و در این آیات به معنی اقرار است.

و شهد شاهدۀ من اهلها ان کان قمیصه (یوسف آیه ۲۶) و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد، اگر پیراهن او از جلو چاک خورده زن راست گفته و او از دروغگویان است.

و در آیه: و شهدوا أن الرسول حق و جاءهم البینات (آل عمران، ایه ۲۶) شهادت دادند که این رسول بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد که به معنی علم است.

شهود جمع شاهد نیز آمده:

و ما تکون فی شان و ما تتلوا منه من قران ولاتعملون من عمل الا کنا علیکم شهودا اذ تفیضون فیهه (یونس، آیه ۶۶) .

و هیچ کاری نمی‌کنید مگر این که ما بر شما گواه باشیم آن گاه که بدان مبادرت می‌ورزید.

دقت در آیات نشان می‌دهد که شهود جمع شاهد به معنی حاضر و بیننده و اشهاد جمع شهاد به معنی شهادت کننده است (جعفری لنگرودی، همان: ۴۰۰).

دلایل حجیت شهادت در فقه

حجیت شهادت در نظام فقه اسلامی از نظر کلی مورد اتفاق آرا و اجماع مکاتب فقه اسلامی است و یکی از قویترین ادله‌ی اثبات دعوی محسوب می‌شود. از جمله دلایلی که بر حجیت شهادت دلالت کرده و نسبت به عمل به شهادت دستور داده به شرح زیر می‌باشد.

قرآن

در قرآن آیاتی مانند آیه ۱۰۶ سوره مائده، آیه ۲۸۲ سوره بقره و ... می‌یابیم که برحجیت شهادت دلالت دارد. در این آیات گر چه خداوند امر فرموده ولی این امر جنبه ارشادی و راهنمایی برای پیشگیری از نزاع و درگیری را دارد. در آیه۲۸۲ سوره بقره که طولانی‌ترین آیه‌ی قرآن است خداوند برای بدهی‌های مدت‌دار امر فرموده که موضوع، مکتوب و نوشته شود. این آیه به صراحت اولویت اول به دو شاهد مرد داده شده و در درجه دوم یعنی در صورت نبودن شاهد مرد شهادت زن هم پذیرفته شده ولی به این صورت که:

- به ضمیمه مرد باشد
- شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد محسوب گردد.

«و استشهدوا و شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل و امرتان ممن ترضون من شهداء آن تضل احدهما فتذکر احداهما الأخری»

این آیات حاوی دو معناست: یکی اینکه با توجه به کثرت منازعات، مردم نیازمند پذیرش شهادت در مراجع قضایی هستند. زیرا اقامه حجت موجب علم در تمامی خصومات امری مشکل است و تکلیف همواره در حد وسع مقرر می‌گردد نه مازاد بر آن و دیگر اینکه قبول شهادت شهود برقضات امری الزامی است، زیرا شرع علی‌رغم موازین قیاسی و محتمل الصدق و الکذب بودن، آن را حجت قرار داده است.

شهادت زن در قرآن

عموم فقها اعم از شیعه و سنی از نحوه بیان آیات قرآن مربوط به شهادت این‌گونه استنباط کرده‌اند که چون در مورد زنا که از حدود است و وصیت و طلاق که ذاتا امور غیر مالی هستند شهادت مردان عادل لازم دانسته شده، بنابراین در حدود و به تعبیر دیگر در حق‌الله و همچنین در امور غیر مالی در مورد حقوق مردم شهادت زنان نافذ نیست و نمی‌تواند چیزی را اثبات کند. اما در مورد دین و به طور کلی امور مالی یعنی مواردی که با شهادت، مالی و یا حق مالی برای مشهودله ثابت می‌شود، با توجه به اینکه در سوره‌ی بقره به شهادت زنان نیز به نوعی (یعنی دو زن در مقابل یک مرد) اعتبار داده شده است، این حکم کلی را استخراج نموده‌اند که در امور مالی شهادت دو زن به انضمام شهادت یک مرد مؤثر خواهد بود. (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۹۶).

شهادت زن در روایات

اصولا نظرات رایج فقهی که در باب شهادت زنان و میزان ارزش آن ذکر کردیم مبتنی بر قرآن و روایاتی است که در این باب وارد شده و همان‌ها ملاک فتوای فقهاء قرار گرفته است. در این قسمت به تعدادی از روایات که مبنای فتاوی فقها است اشاره می‌کنیم و چون عموما مستند فتاوی فقیهان ما روایات منقوله در وسائل الشیعه است روایات مورد نظر را عمدتا از این مآخذ نقل می‌نماییم.

در یک روایت، شهادت زنان صالحه بطور مطلق قابل قبول اعلام شده است. ابن ابی یعفور از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود:

«تقبل شهادۀ المراۀ و النسوۀ اذا کن مستورات من اهل البیوتات معروفات بالستر و العفاف، مطیعات للازواج تارکات للبذاء و التبرج الی الرجل فی أندیتهم».

شهادت زنان پوشیده، پاکدامن، فرمانبردار شوهر و تارک ابتذال و ظاهر شدن با آرایش در جمع مردان پذیرفته می‌شود. البته این روایت را حمل کردند بر این که شهادت زن فی الجملۀ پذیرفته است و طبعا سایر شرایطی که برای قبولی شهادت لازم است باید موجود باشد (حرعاملی، ۱۳۹۲ : ۳۵۴).

امام باقر علیه السلام از پدرش از علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

" لاتجوز شهادۀ النساء فی الحدود ولا فی القود". شهادت زنان در حدود و قصاص قبول نیست. نظیر همین روایت از طریق دیگر نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

محمدبن فضیل می‌گوید:

«تجوز شهادۀ النساء فی نکاح او طلاق او رجم»؟ قال: «تجوز شهادۀ النساء فیما لا یستطیع الرجال ان ینظروا الیه و لیس معهن رجل و تجوز شهادتهن فی النکاح اذا کان معهن رجل و تجوز شهادتهن فی حد الزنا اذا کان ثلاثۀ رجال و امراتان و لاتجوز شهد رجلین و اربع نسوۀ فی الزنا و الرجم و لا تجوز شهادتهن فی الطلاق و لا فی الدم» آیا شهادت زنان در نکاح یا طلاق یا رجم جایز است؟ فرمود: شهادت زنان در اموری که مردان نمی‌توانند به آنها نگاه کنند بدون انضمام به شهادت مردان جایز است و در نکاح شهادتشان با ضمیمه شهادت مرد قبول است و در حد زنا نیز شهادت سه مرد و دو زن پذیرفته است ولی شهادت دو مرد و چهار زن در زنا و رجم پذیرفته نیست، شهادت زنان در طلاق و در مورد خون (قتل، قصاص) پذیرفته نمی‌شود.

روایات متعددی در این زمینه که حد رجم با سه مرد و دو زن ثابت می‌شود ولی با دو مرد و چهار زن ثابت نمی‌شود در همین باب نقل شده است که نیاز به تکرار آنها نیست. از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرش از علی علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «شهادۀ النساء لا تجوز فی طلاق و لا نکاح و لا فی حدود، الا فی الدیون و ما لا یستطیع الرجال النظر الیه» شهادت زنان در طلاق، نکاح و حدود جایز نیست مگر در مورد دیون و اموری که مردان نمی‌توانند آنها را مشاهده کنند (همان: ۳۵۹).

ابی بصیر از امام علیه السلام در مورد شهادت زنان سؤال می‌کند امام می‌فرماید:

«تجوز شهادۀ النساء وحدهن علی مالا یستطیع الرجال النظر الیه و تجوز شهاۀ النساء فی النکاح اذا کان معهن رجل، و لاتجوز فی الطلاق ولا فی الدم غیر انها تجوز شهادتها فی حد الزنا اذا کان ثلاثۀ رجال و امراتان و لا تجوز شهادۀ رجلین و اربع نسوۀ»؟

شهادت زنان به تنهایی در آن مواردی که مردان نمی‌توانند به آن نگاه کنند پذیرفته می‌شود و در نکاح اگر با شهادت مردان توام باشد، قابل پذیرش است و در طلاق و قصاص (خون) پذیرفته نیست، ولی اگر سه مرد و دو زن به زنا شهادت دهند، حد زنا ثابت است، ولی با شهادت دو مرد و چهار زن حد زنا ثابت نمی‌شود. (همان).

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اجاز شهادۀ النساء فی الدین و لیس معهن رجل»

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شهادت زنان را در دین (قرض) به تنهایی و بدون انضمام به شهادت مرد اجازه داده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«تجوز شهادۀ المراۀ فی الشیئی الذی لیس کثیر فی الامر الدون و لا یجوز فی الکثیر» شهادت زن در مورد چیزی که زیاد نیست، پذیرفته میشود و در موردی که زیاد باشد قابل قبول نیست.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فی شهادۀ امراۀ حضرت رجلا یوصی فقال یجوز فی ربع ما اوصی بحساب شهادتها»؟ اگر زنی به هنگام وصیت مردی حاضر باشد و به وصیت او شهادت دهد نسبت به یک چهارم آنچه وصیت کرده شهادت زن نافذ است. و نظیر همین مطلب از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که: مردی فوت کرد و زن حامله ای از خود به جای گذاشت، زن وضع حمل کرد، و بچه ای به دنیا آورد که بچه بلافاصله پس از تولد فوت کرده است و زن قابل شهادت می‌دهد که بچه زنده به دنیا آمده و مرده است. امام فرمود: می‌توان شهادت زن قابل را نسبت به یک چهارم میراث کودک پذیرفت.

از امام صادق علیه السلام سؤال شده : در مورد زنی که شهادت داده: مردی بچه ای را در چاه افکنده و بچه مرده است، امام فرمود: با شهادت زن یک چهارم دیه کودک بر عهده مرد ثابت می‌شود.

از امام موسی بن جعفر ابوالحسن علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر دو زن به نفع صاحب حق شهادت دهند و مدعی سوگند بخورد دعوایش ثابت می‌شود. جایز است شهادت دو زن همراه با قسم مدعی حق.

در مورد ثبوت قصاص با شهادت زنان روایات مختلف است، بسیاری از آنها شهادت زنان را برای اثبات قتل عمد و قصاص مؤثر نمی‌دانند که بعضی از آنها ذکر شد و برخی از آنها شهادت زنان را به انضمام مردان برای اثبات قتل جایز می‌دانند. (همان).

حجیت شهادت زنان در جرائم حدی

یکی از مهم ترین اصول قوانین کیفری مدرن، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. این اصل به این معناست که هیچ رفتاری ائم از فعل و ترک فعل مجازات نمی‌شود مگر آن که در قانون صریحاً به عنوان عمل مجرمانه تصریح و مجازات آن مشخص شده باشد. مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه و مجازات شود تا هم خود وهم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد یا اشتباه چیست و درس عبرتی برای وی و سایرین گردد.

جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به این صورت تعریف شده است که: هررفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب میشود..جرایم انواع گوناگونی دارند.

مجازات‌ها در قوانین ایران به سه دسته کلی زیر تقسیم می شوند:

۱.مجازات اصلی

۲.مجازات تبعی

۳.مجازات تکمیلی

مجازات اصلی

مجازاتی است که به طور خاص و مشخص در قانون برای هر جرم مشخص شده است. در قانون، مجازات اصلی وفق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲خود به چهار دسته تقسیم می شوند :

۱.حد

۲.قصاص

۳. دیه

۴.تعزیر

حدود و مجازاتهای حدی بعنوان یکی از مهمترین مباحث در فقه و حقوق کیفری ایران است، زیرا حد به عنوان یک مجازات کیفری که در قانون مجازات اسلامی از آن یاد شده است برگرفته از فقه اسلامی، آیات قران، روایات و سیره پیامبران و ائمه است. بنابراین با سایر مجازاتها که قانونگذار با توجه به جرم، شرایط آن و عرف جامعه به تبیین آنها می پردازد متفاوت است. قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی دین مبین اسلام پایه ریزی شده است. موضوع حد نیز برگرفته از دستورات دین اسلام و مذهب شیعه می باشد که دارای ابعاد فقهی و تفسیری بسیار زیادی است.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم قذف

با وحدت ملاک از ماده ۱۹۹، شهادت در جرم قذف فقط از مردان پذیرفته می‌شود.

سایر جرائم حدی

برابر با ماده ۲۲۰ ق.م.ا در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده اند مانند ارتداد و جادگری و سحر طبق اصل ۱۶۷ ق.ا (نظر فتاوی مشهور فقها) عمل می‌شود.

اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر می دارد: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم مصرف مسکر

با وحدت ملاک از ماده ۱۹۹، شهادت در جرم شرب خمر فقط از مردان پذیرفته می‌شود.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم بغی

قانون مجازات اسلامی در این باره نص صریحی ندارد، اما با مداقه در ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در این جرائم پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم افساد فی‌الارض

قانون مجازات اسلامی در این باره نص صریحی ندارد، اما با مداقه در ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در این جرائم پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم محاربه

قانون مجازات اسلامی در این باره نص صریحی ندارد، اما با مداقه در ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در این جرائم پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم سرقت حدی

با وحدت ملاک از ماده ۱۹۹، شهادت در جرم سرقت حدی فقط از مردان پذیرفته می‌شود.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم سب النبی

با اینکه قانون مجازات اسلامی نص صریحی در این رابطه ندارد، اما بنا به اجماع و سنت و نیز وحدت ملاک از ماده ۱۹۹ قانون

مجازات اسلامی، شهادت زنان در این جرم پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم قوادی

با توجه به ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در جرم قوادی پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم مساحقه

با توجه به ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در جرم مساحقه پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم تفخیذ

با توجه به ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در جرم تفخیذ پذیرفته نیست.

عدم حجیت شهادت زنان در جرم لواط

با توجه به ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در جرم لواط پذیرفته نیست.

حجیت شهادت زنان در جرم زنا

برابر ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی شهادت زنان در زنا پذیرفته شده است و با ۴ شاهد مرد یا ۳ شاهد مرد و ۲ شاهد زن اثبات می‌شود. برای اثبات زنای موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت ۲ مرد و ۴ زن عادل نیز کافی است.

عدم حجیت شهادت زنان در سایر جرائم حدی

قانون مجازات اسلامی در این باره نص صریحی ندارد. اما با وحدت ملاک از ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، شهادت زنان در سایر جرائم حدی مانند ارتداد و جادوگری و سحر پذیرفته نیست. . نصاب شهادت دراین جرائم ۲ شاهد مرد می باشد.

شهادت کذب

دروغ ادعای باطلیست که گوینده عمداً آن را به جای حقیقت بیان می‌کند. این رذیلت اخلاقی را همه ادیان، امری مذموم تلقی می‌کنند. از منظر دین اسلام دروغ گفتن گناه فرض شده که در بسیاری از آیات و روایات بدان اشاره و از آن نهی گردیده است. در نظام حقوقی کشور ما، دروغگویی وقتی با اوصاف خاصی همراه شود جنبه مجرمانه پیدا می‌کند.به عنوان مثال در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، نشر اکاذیب جرم بسیار سنگینی است به صورتی که اگر فردی مطالبی را منتشر کند چه در سطح ملی (با هدف وارد کردن خدشه به امنیت و منافع ملی که با عنوان تشویش اذهان عمومی نیز از آن یاد می‌شود) و چه در سطح فردی (هرگونه انتشار و اشاعه اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان یا علیه مقامات رسمی) نشر اکاذیب بوده و مستوجب مجازات است. دروغ گفتن نوعی رذیلت اجتماعی است که در همه ادیان الهی و جوامع بشری مورد نکوهش واقع شده اما دروغ گفتن تنها در دو جا جرم به حساب می‌آید و مجازات دارد.

ضمانت اجرای شهادت کذب

شهادت کذب عبارت است از ادای گواهی دروغ توسط گواه نزد مقامات رسمی در دادگاه. بر اساس ماده ۶۵۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس یا به جزای نقدی محکوم خواهد شد. ادای شهادت کذب در دادگاه و نزد مقامات رسمی است. این جرم از جرایم مطلق محسوب می‌شود. این جرم از جرایم عمدی است و از این رو نمی‌توان کسی را که سهواً و به اشتباه مبادرت به بیان اکاذیب در قالب شهادت کرده است، مشمول مقررات ماده ۶۵۰ دانست. ادای شهادت دروغ باید در دادگاه به عمل آید. لذا شهادت خارج از دادگاه و نیز مراجعی که به آنها دادگاه اطلاق نمی‌شود، مشمول حکم ماده ۶۵۰ نیست. همچنین ادای شهادت باید نزد مقامات رسمی باشد؛ از این روی، چنانچه فردی که استماع شهادت می‌کند، صلاحیت استماع آن را نداشته باشد، نمی‌توان ادای شهادت را مشمول ماده ۶۵۰ دانست.

بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۹۴۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۱۱ رئیس قوه قضاییه در خصوص شهادت کذب

به منظور حفظ شان و اعتبار شهادت شهود در نظام قضایی و جلوگیری از انحراف روند تحقیقات و دادرسی‌ها توسط شهود ساختگی و شهادت کذب لازم است ضمن رعایت دقیق مقررات قانونی اعم از ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۱۰ و

۲۱۱ و ۳۲۰ تا ۳۳۰ و ۶۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۲۳۲ تا ۲۴۷ قانون ایین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی در خصوص چگونگی احضار ، اخذ اظهارات شهود و جلوگیری از تبانی و مواضعه انها با طرفین پرونده نسبت به انجام امور ذیل اقدام نمایید:

۱. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه حداکثر ظرف دو ماه ترتیبی اتخاذ نماید که امکان ثبت مشخصات گواهان در سامانه مدیریت پرونده قضایی(سمپ) امکان‌پذیر باشد.

۲. قضات دادگاه‌ها و دادسراها نسبت به احراز هویت شهود تعرفه شده و درج مشخصات گواهان در سامانه مذکور و استخراج سابقه آنان اقدام نمایند.

۳. در صورت کشف شهادت کذب و تبانی در اثنای تحقیقات یا رسیدگی، فوراً مراتب صورت مجلس و جهت تعقیب کیفری مرتکبین اقدام لازم معمول گردد.

۴. مرکز حفاظت و اطلاعات قوه‌قضائیه ضمن مراقبت مستمر در این خصوص، نسبت به شناسایی و معرفی اشخاصی که در اطراف واحدهای قضایی به صورت حرفه‌ای حضور داشته ودر قبال اخذ مال یا امتیاز، مبادرت به ادای شهادت کذب در مراجع قضایی می‌کنند، اقدام مقتضی را مبذول نماید.

شاهد کاذب را می‌توان تعقیب کرد؛ اما باید کذب بودن شهادت فرد خاطی در دادگاه صالح به موجب حکم قطعی اثبات شود و با اثبات شهادت کذب است که حکم ناشی از آن نیز از اعتبار ساقط می‌شود. بعد از باطل شدن رای دادگاه به دلیل ثابت شدن شهادت کذب، در صورتی که محکوم‌به در زمان صدور رای موجود باشد باید مسترد شود و اگر موجود نباشد شهود باید جبران خسارت کنند. به عبارتی مطابق قواعد کلی مسئولیت مدنی، هرگاه کسی سبب ورود خسارت شود، باید جبران و در شهادت کذب نیز شهود باید خسارت زیان‌دیده را جبران کند.

گواهی دروغ در زمره گناهان کبیره و حرام و قرآن آن را نهی کرده است، تا حدی که پیامبر خدا (ص) فرمودند: شهادت دروغ با شرک به خدا برابری می‌کند. کسی که در هنگام واقعه‌ای ناظر بوده است و بعد از مدتی هنگام ادا و بیان مطلب در محضر دادگاه، واقعیت را از روی علم و عمد عوض کند و باعث صدور حکم به ناحق شود، از نظر شرع واخلاق و در نگاه جامعه نیز محکوم است و قانون او را مجازات می‌کند.

باید کذب بودن شهادت چنین شخصی در دادگاه صالح به موجب حکم قطعی به اثبات رسیده باشد. در مورد عدم ادی شهادت و کتمان آن با توجه به مقررات جزایی کنونی باید گفت که جرم محسوب نمی‌شود. شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر این اساس صادر شود، بلااثر است. اگر محکوم به وجود داشته باشد، باید مسترد شود و اگر ممکن نباشد، باید شهودی که شهادت کذب داده‌اند، غرامت را بپردازند. در مواردی که دادگاه از شهود و مطلعین درخواست ادای شهادت یا اطلاع کند و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده‌اند، اعم از اینکه به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد.

نتیجه گیری

کرامت و شرافت انسانی عنصر اصلی شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد، زن و مرد از این حیث، هیچ گونه تفاوتی با هم ندارند. اما لازمه این امر آن نیست که ایشان از حقوق مشابه برخوردار شوند. برای اینکه بین زن و مرد از جهات مختلف تفاوت وجود دارد و تفاوت در حقوق و تکالیف و مجازات‌ها آنها را از همدیگر متمایز می‌کند. این تفاوت ناشی از مقتضیات جسمی و روحی آن دو بوده، که این امر نه تنها ظلم و تبعیض در حق آنان نیست، بلکه عین عدالت و مطابق با مقتضیات جسمی و روحی آنان می‌باشد. بنابراین تفاوت بین آن دو مقبول و پذیرفتنی است، ولی تبعیض بین آنها مطرود و مردود است.

با این حال، با تایید فرضیه اصلی باید اذعان داشت که هر چند در اسلام، اصل بر مساوات بین انسان، اعم از زن و مرد است، اما طبق مطالعه منابع فقهی و حقوق موضوعه، در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه جنسیت شهود در اثبات جرایم مستوجب حدود موثر است.

از جهتی با عنایت به اینکه شهادت نوعی تکلیف است و نه حق که در این میان، با مستثنی کردن زنان از شهادت در برخی از امور و جرائم، با قبول فرضیه دیگر این نوشتار، اعتبار جنسیت شهود در حدود و قصاص مستند به ادله نقلی تعبدی و توجیهات عقلانی است

اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن دو مخالف است. زن و مرد در همه جا از حقوق مشابهی برخوردار نیستند. ولی این به منزله آن نیست که مجموع حقوقی که برای زن قرار داده شده از ارزش کمتری برخوردار است.

عادلانه ترین قضاوت بین زن و مرد این است که هر یک از موارد تفاوت حقوق بین آن دو به طور جداگانه مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرد. قضاوت کلی درباره احکام اسلام یا قوانین موضوعه، قضاوت یک جانبه و به دور از عقل و منطق است و نمی‌توان با نگاه کلان این ادعا را پذیرفت که احکام و قوانین ارث یا دیه یا شهادت یک طرفه می‌باشد. زیرا با دقت در هر یک از احکام و مواد قانونی به خوبی می‌توان دریافت که در همه مقررات چنین حکمی صادق نیست و در مواردی هم که به ظاهر تفاوتی مشاهده میشود، یا علت و فلسفه آن معلوم نیست و باید علت و فلسفه آن را جستجو کرد، یا یک امر مسلم اسلامی نیست و ناشی از برداشت متفاوت فقها از آن می‌باشد، یا برداشت ناصحیحی است که در میان احکام و قوانین رسوخ یافته است.

پیشنهادات

مسئله‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت مسئله کرامت زنان است که امروز بیشترین توجه زنان و جوانان را به خود معطوف ساخته است و با توجه به اینکه رسانه‌های بسیاری وجود دارد که با بیان پرسش‌ها و انتقادهای نادرست و از روی غرض‌وزری برای مخدوش ساختن چهره نورانی اسلام اقدام می نمایند بنابراین:

۱- باید دانشگاه، حوزه و رسانه‌های بین‌المللی اعم از صدا و سیما، مجلات و روزنامه‌ها در این امر اهتمام ویژه ورزند و در برنامه‌های رسانه عمومی حقوق و تکالیف مذهبی افراد جامعه به اطلاعشان رسانده شود تا در هجمه‌ی انتقادات، با تکیه بر علوم خود احساس تهی بودن نکنند.

۲- در جامعه‌ی ما حوزه های علوم اسلامی در گذشته همواره پاسخگوی پرسش‌ها و حملات فرهنگی بوده‌اند که متوجه محافل جوانان و زنان بوده است.با این فرصت گرانبهایی که انقلاب اسلامی و نهضت فکری، فرهنگی و موج اسلام‌خواهی کنونی ایجاد کرده است، شناساندن حقوق افراد جامعه لازم و ضروری به نظر می‌آید و بازنگری‌های علمی را باید از محافل فرهنگی و علمی و از حوزه‌های علمیه اسلامی طلب کرد تا با ارائه جزوات و بروشورهای تبلیغاتی و برگزاری مسابقات علمی، دانشگاهی کمک ویژه‌ای نمایند.

۳- با توجه به تغییرات و نوآوری‌های صورت پذیرفته در قانون جدید مجازات اسلامی پیشنهاد می‌شود، تحقیقات بیشتری بصورت جزئی‌تر از سوی دانشکده‌های حقوق و دانشجویان گرایش جزا و جرم‌شناسی در این رابطه صورت پذیرد تا بتوان منابع بیشتری در اختیار آحاد جامعه قرار داد.

منابع

۱- آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، «آیین دادرسی کیفری»، ج ۲، چاپ شانزدهم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲- آقایی‌نیا ، دکتر حسین ، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: نشر میزان

۳- امامی، سیدحسن، (۱۳۹۸)، «حقوق مدنی»، چ بیست و هشتم، انتشارات اسلامیه، تهران.

۴- بانکی پور فرد، امیرحسن، (۱۳۸۱)، «آیینه زن»،(مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری) ،تهران،کتاب طه، چاپ سپهر، نوبت اول.

۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۸)، «ترمینولوژی حقوق»، چاپ سی و دوم، گنج دانش، تهران

۶- خمینی(ره) ، سید روح الله، (۱۳۸۸)، «اجتهاد و تقلید»، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی

۷- خمینی(ره) ، سید روح الله، (۱۳۹۲) «تحریر الوسیله»، قم، ترجمه محمد باقر موسوی، چاپ اول، مؤسسه نشر امام

۸- خمینی(ره) ، سید روح الله، (۱۴۰۰) «رساله نوین(مسائل سیاسی و حقوقی(«، تهران، انتشارات اسلامی

۹- حیدری، مظفر، (۱۳۸۵)، «شهادت و قضاوت از دیدگاه فرقین»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه

۱۰- حسنخانی، احمدرضا، (۱۳۹۰)، نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی (شهادت) زنان در قرآن، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی شماره ۱۶

۱۱- دیانی، دکتر عبدالرسول، (۱۳۹۵)، ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، تهران: میزان ، چاپ دو

۱۲- زراعت ، دکتر عباس ، (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ، تهران: جاودانه، جنگل

۱۳- سرشار، محمود (۱۳۳۱)، «شهادت در امور مدنی و کیفری»، مجله کانون وکلا، شماره ۲۹.

۱۴- سیفی مازندرانی، ع ا. (۱۳۹۸). درس خارج از فقه، نسخه دیجیتال.

۱۵- شکری، رضا، (۱۳۹۶)، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی»، نشر مهاجر، تهران.

۱۶- شمس، عبدالله، (۱۳۹۹)، «آیین دادرسی مدنی»، ج ۳، تهران، انتشارات دراک.

۱۷- صانعی، فخرالدین، (۱۳۸۸)، «شهادت زن در اسلام»، چاپ ششم، انتشارات میثم تمار، قم.

۱۸- صدر، حسن (۱۳۹۶)، حقوق زن در اسلام و اروپا، چاپ دوم، تهران، نشر کتاب‌های پرستو.

۱۹- صدر زاده افشار، محسن، (۱۳۶۹)، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۲۰- صوفیجان، شیدا، (۱۳۹۵)، «نظریه کارشناسی در امور کیفری: حجیت یا طریقیت»، دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری).

۲۱- طهماسب پور، مائده، (۱۳۹۹)، شهادت زنان در آیین دادرسی کیفری ایران، پایان نامه، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران.

۲۲- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۹)، آموزش دین، چاپ اول، قم، نشر جهان‌آرا.

۲۳- عبادی، حمید، (۱۳۹۸)، بررسی مبانی فقهی و اجتماعی ارزش شهادت دادن زنان در قوانین موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شرق

۲۴- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و خسروی، لیلا، (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب: حق مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان (جلد ۳)»، نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده

۲۵- علی آبادی، عبدالحسین و عبادی، شیرین، (۱۳۹۲) حقوق جنائی (دوره ۳جلدی)، چاپ سوم، تهران: نشر فردوسی

۲۶- علی‌محمدی، طاهر، حسینی، آمنه‌السادات (۱۳۹۲)، «تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۶۰. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۷- فکور، محمدرضا، (۱۳۸۸)، تحلیل فقهی شهادت زن در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

۲۸- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامی.

۲۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۹)، «مقدمه علم حقوق»، انتشارات میزان، تهران.

۳۰- کاتوزیان ، دکتر ناصر ، (۱۳۹۸)، اثبات و دلیل اثبات ، تهران: نشر میزان ، چاپ چهاردهم.

۳۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۹)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: گنج دانش.

۳۲- کریمی، عباس، (۱۳۹۶)، ادله اثبات دعوی، تهران: میزان.

۳۳- کی نیا، مهدی، (۱۳۷۶)، روانشناسی جنایی، تهران: رشد.

۳۴- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۹)، «ادله اثبات دعوی کیفری»، تهران، میزان

۳۵- مصطفوی ، فریده و دیگران، (۱۳۸۲)، «زن از منظر اسلام»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

۳۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، «نظام حقوق زن در اسلام»، انتشارات صدرا، تهران.

۳۷- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۷)، «قواعد فقه»، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.

۳۸- مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۹۰)، «آیین دادرسی مدنی»، چاپ سوم، گنج دانش، تهران.

۳۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین(۱۳۸۲)؛ جزوه جرم‌شناسی پیشگیری، مجتمع مجتمع آموزش عالی قم.

۴۰- محبی، سیمین، (۱۳۹۵)، « تحولات قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲ » در جرایم مستوجب حد»، پایان نامه، دانشگاه قم.

۴۱- ملک زاده ، فهیمه، (۱۳۸۴)، «مبانی فقهی و حقوقی اعتبار شهادت زنان در اثبات دعاوی»، ندای صادق، شماره ۲۹.

۴۲- مهرپور، حسین، (۱۳۷۹)، «مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی»، انتشارات اطلاعات، تهران.

۴۳- محسنی، مرتضی، (۱۳۹۶)، کلیات حقوق جزا، ج ۱، گنج دانش، تهران.

۴۴- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۲)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

۴۵- مؤذّن زادگان، حسنعلی و عظیمی فر، بابک، (۱۳۸۴)، «اخلاق زیستی از نظر حقوقی فلسفی و علمی»، مجله بیواتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

۴۶- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۲)، «حقوق و سیاست در قرآن»، مؤسسه امام خمینی.

۴۷- نظری، ثریا ،(۱۳۹۳)، بررسی مبانی فقهی حقوقی نظریه کارشناسی در جرایم مستوجب حد و قصاص، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی.

منابع عربی

۱- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۹۱)، «وسایل الشیعه»، چاپ دوم، موسسه آل البیت (ع) لإحیاء التراث، قم، ج۲۷، کتاب القضاء، أبواب کیفیه الحکم، باب۲.

۲- حرعاملی، محمدبن حسن،(۱۳۹۲)، «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، ج۲۷، قم موسسه آل بیت(ع).

۳- حرعاملی، الشیخ محمد بن الحسن(۱۳۸۷)وسایل الشیعه، جلد۱۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴- خویی، سید ابوالقاسم(۱۳۸۱)، «مبانی تکلمه المنهاج«، دارالزهراء، بیروت.

۵- راغب اصفهانی،حسین بن محمد، (۱۳۹۲)، «المفردات فی غریب القرآن»، ترجمه: حسین خداپرست زیر نظراستاد عقیقی بخشایشی، نوید اسلام، تهران.

۶- طبرسی ، فضل بن حسن، (۱۳۵۰)، مجمع البیان ، ترجمه:احمد بهشتی ، بی جا، انتشارات فراهانی ، چاپ اول ، ۱۳۵۱، جلد۲.

۷- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، الجزء الثانی، الطبعه الثانیه،ج۳، المکتبه.

۸- المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه(۱۳۸۷).

۹- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲) »جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام«، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ سوم.

۱۰- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تحقیق و تعلیق: محمود قوچانی و مرتضی آخوندی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران،۱۳۶۲،ج۴۱.